

## رهنمودهای انتخاباتی (۱)

### برگزیده بیانات مقام معظم رهبری پیرامون انتخابات

#### ۱. هر کس برنامه‌های خودش را بگوید

من به همه‌ی کسانی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند و طرفداران آنها صمیمانه عرض می‌کنم که فضای کشور را فضای دشمنی و نقار و تشنج و اختلاف نکنند. البته ملت این‌طور نیستند؛ گروهی هستند که اگر مجموع‌شان را بشمریم، به چند هزار نفر نمی‌رسند - بالاخره هر کس طرفدارانی دارد - این‌ها فضای روزنامه‌ها و دستگاه‌های ارتباط جمعی را متشنج می‌کنند. فضا باید دوستانه باشد؛ هر کس حرف‌های خودش را بزند و برنامه‌های خودش را بگوید و کاری را که خودش می‌تواند بکند، بیان کند؛ به دیگران چه کار دارند؟ فضا را متشنج نکنند؛ فضا را برادرانه و صمیمانه بکنند. ۱

انتخابات در کشور ما باید مسابقه‌ای برای خدمت باشد، نه مسابقه‌ای برای کسب قدرت. انتخابات اسلامی این‌گونه است. آن‌جایی که دعوا بر سر قدرت است، آن‌طوری می‌شود که شما در بعضی از انتخابات دنیا مشاهده می‌کنید. یک نمونه‌اش را هم در انتخابات اخیر آمریکا دیدید. آن‌جا دعوا بر سر قدرت است؛ دست به یقه‌اند؛ هر طرف می‌خواهد قدرت را به حزب و مجموعه‌ی خودش منتقل کند. مسأله، مسأله‌ی کسب قدرت است. صریحاً هم می‌گویند: تلاش می‌کنیم تا به قدرت و مقام برسیم. در منطق اسلامی، قدرت و عزت و آبرو و خوش‌نامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود و جامعه و کشور در راه نظام مقدس اسلامی و رسیدن به آرمانهای بلندی است که انسان‌ها نیازمند آنند. این مسند، مسابقه برای خدمت و زحمت‌کشی است. ۲

#### ۲. خصوصیات کاندیدای اصلح

به همه‌ی برادران و خواهران و همه‌ی ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که فضای انتخابات را، هم گرم و هم سالم نگه دارند. کسانی که به یک نامزد انتخاباتی علاقه‌مندند، مراقب

باشند به خاطر علاقه‌ی به او، نامزد دیگر را تخریب نکنند؛ این بین مردم اختلاف و نفاق ایجاد می‌کند؛ علاوه بر این که تخریب اساساً کار درستی نیست و فایده‌یی هم ندارد. کسی که با تخریب یک نامزد انتخاباتی می‌خواهد آراء او را کم کند، به مقصود خودش دست پیدا نمی‌کند؛ هم یک کار غلط و خلاف منطق و در موارد بسیاری خلاف شرع انجام می‌گیرد، هم فایده‌یی گیر او نمی‌آید. فضا را سالم نگه دارید. شما از نامزد خودتان حمایت کنید، دیگران هم از نامزد خودشان حمایت کنند و به او رأی دهند. در پیدا کردن نامزد مورد نظر دقت کنید. به کسی گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده‌ی مردم و به عزت مردم اهمیت می‌دهد. ۳.

### ۳. حمایت از معیارها

البته بدیهی است که رهبری از فرد خاصی حمایت نمی‌کند؛ از معیارها حمایت می‌کند. ما دنبال این هستیم که این معیارها تحقق پیدا کند. بنده دنبال این هستم که شخصی سر کار بیاید و قوه‌ی مجریه را اداره کند که خود را خدمت‌گزار مردم بداند و توانایی داشته باشد و به آرمان‌های امام و نظام اسلامی معتقد و پایبند باشد و حقیقتاً عدالت و مبارزه‌ی با فساد برای او حائز اهمیت باشد. ۴.

### ۴. انتخاب اصلح، تشخیص خود مردم

درباره‌ی موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه‌زنی و شایعه و این‌ها همشیه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می‌اندازم. به یک نفری رأی خواهم داد، به هیچ کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت می‌کنم، دفاع می‌کنم؛ بعضی سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. من طرفدار اعمال انصافم؛ من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی

انصافی است. حمایت کردن از خدمت‌گزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. ۵.

## ۵. ذوب در هدف

دنبال آرمان‌های حقیقی در قالب و لباس عملی آن بگردید. نه باید دنبال ایده‌آلهایی بود که عملی و اجرایی نیستند، نه باید به کم قانع شد و از آن آرمان‌ها دور ماند. آنچه همواره باید مورد نظر باشد، چشم‌انداز بیست‌ساله است؛ این چشم‌انداز خیلی مهم است. و من به شما عرض کنم؛ به شهادت افرادی که کارشناس و متخصص این کار هستند، این چشم‌انداز کاملاً عملی است؛ یعنی به هیچ‌وجه در آن، بلندپروازی‌های بیهوده و بی‌پشتوانه وجود ندارد. درست نگاه کنید، دقت کنید و چشم‌انداز بیست‌ساله را بخوانید. ما ملت ایران با این قانون اساسی جامع و با این ارکان نظام-اگر خوب کار کنند و درست کار کنند- می‌توانیم در ظرف بیست سال کشور خود را به نقطه‌ای اوج و قله‌ای که در این چشم‌انداز تصویر شده، برسانیم. سیاست‌ها را در نظر داشته باشید. سیاست‌ها بر اساس این چشم‌انداز تنظیم شده است. قانون‌ها باید با سیاست‌ها هماهنگ باشد؛ یعنی در دل سیاست‌ها جا بگیرد و به سمت این چشم‌انداز حرکت کند. آن چشم‌انداز هم بر پایه‌ی اسلام است. باید همه‌ی وقت و همت و شغل را مصروف همین اهداف کرد و در واقع ذوب در این اهداف شد. ۶.

## ۶. پیشرفت و عدالت، دو روی سکه

برای دهه‌ی چهارم... دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً بدست بیاوریم: یکی پیشرفت است، یکی عدالت. ما مثل بعضی از کشورها و نظام‌های دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم... خیلی از کشورها هستند که از لحاظ علمی پیشرفت کرده‌اند و به آمارها و شاخص‌های اقتصادی آنها که نگاه می‌کنیم، ملاحظه می‌کنیم که مثلاً درآمد سرانه‌ی آنها خیلی هم بالاست؛ اما مسئله‌ی مهم این است که این درآمد سرانه در میان ملت چه جور تقسیم می‌شود؛ این آن نکته‌ای

است که نظام‌های غیر الهی و نظام‌های رونوشت‌کرده‌ی از نسخه‌های استکباری، دیگر به آن توجه نمی‌کنند. ما نمی‌توانیم توجه نکنیم؛ ما می‌خواهیم کشورمان از همه‌ی جهات — از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی — به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند؛ اما در کنار پیشرفت، می‌خواهیم کشور عادلانه و با عدالت اداره بشود؛ این مهم است. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با عدالت. ۷.

## ۷. عزت، حکمت و مصلحت

عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست... ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم... نه! ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی — که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است — و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلایق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قایلیم. هر ملتی ذخیره‌ای دارد. ملت ما هم ذخایر خیلی فراوانی دارد؛ ذخایر فرهنگی، پرونده‌ی بسیار درخشان در صحنه‌ی علم جهانی، در صحنه‌ی سیاست جهانی، در صحنه‌های گوناگون. ما بنای فخر و فروشی نداریم. اگر خوبی، برای خودت هستی؛ اگر پولداری، برای خودت هستی؛ اگر قدرتمندی، برای خودت هستی؛ ارتباطات با ما، ارتباطات و علایق انسان با انسان است. بنابراین، عزت یعنی تحمیل هیچ کس را قبول نکردن... حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه سنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هرآنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد... مراد مصلحت شخص من و

شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه، گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما شروع می‌شود. ۸.

## ۸. سه رکن مدیریت

سه بخش عمده در مسئول وجود دارد؛ سه آمادگی و احساس مسئولیت: اول این که، برای نفسِ کار و عمل آماده باشد. تنبلی و بی‌حالی و سهل‌انگاری و کار را به دست حوادث و قضا و قدر سپردن، اولین بلایی است که ممکن است یک مدیر را از صلاحیت کافی و لازم ساقط کند. جدی بودن در کار، آرام نداشتن برای کار، احساس مسئولیت برای اصل اقدام و کار و وظیفه‌ای که بر عهده گرفته، بسیار مهم است ...

دوم، مسأله‌ی آمادگی و استعداد و تعهد برای انجام کار است؛ به همان نحوی که سیاست‌های کلی و برنامه‌های اساسی کشور آن را اقتضا می‌کند. اگر کشور، سیاست مشخصی را در مقوله‌ای پذیرفته است، کسی که اجرای بخشی از بخش‌های کشور را می‌پذیرد، باید آن را در همان جهت کار و به همان سمت و با همان هدف پیش ببرد و هدایت کند؛ ولو خود او، آن سیاست را به طور کامل تثبیت نکرده باشد ...

رکن سوم، حفظ طهارت و تقواست. حفظ پاکیزگی در عمل است. اجتناب از هرگونه خدای ناکرده اختلاط با اهداف غیر مشروع یا اهداف غیر مقبول و غیراخلاقی است. این، شأن سوم است. مدیر خوب، مدیری است که هر کاری را به عهده می‌گیرد، با رعایت اصول اخلاقی صحیح، انجام دهد. در نظام اسلامی، چیزی که به شدت با آن مقابله می‌شود، رسوخ فساد است. در نظام اسلامی، با اعتقاد بد و نادرست، این‌طور مقابله نمی‌شود که با عمل غیر صحیح و عمل غیراخلاقی و خدای ناکرده رسوخ فساد مبارزه می‌شود. ۹.

## ۹. ساده‌زیستِ درد‌آشنا!

من نسبت به شخص، هیچ گونه نظری ابراز نمی‌کنم؛ اما شاخص‌هایی وجود دارد. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافی‌گری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی است... اینی که ما گفتیم امسال، سال حرکت به سوی اصلاح‌الگوی مصرف است... یکی از اساسی‌ترین کارها برای این که ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافی‌گری نباشند. چطور می‌توانیم اگر خودمان اهل اسراف باشیم، به مردم بگوییم اسراف نکنید... اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آن‌چه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد. ۱۰

## پی نوشت ها :

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۳/۳
۲. بیانات در جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادیوم شهید عضدی شهرستان رشت، ۱۳۸۰/۲/۱۱
۳. بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمت الله علیه)، ۱۳۸۴/۳/۱۴
۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱
۵. بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام)، ۱۳۸۸/۱/۱
۶. دیدار با نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷
۷. بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام)، ۱۳۸۷/۱/۱
۸. سخنرانی در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۴/۱۸
۹. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره‌ی دوم ریاست جمهوری، ۱۳۷۴/۵/۱۲
۱۰. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲

**دفتر مطالعات، پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی**